

بررسی تطبیقی مولفه های مشاوره ای در روان شناسی و اسلام (۲)

محمد یکه فلاح^۱
محمد حسین خانی^۲

چکیده

اسلام به عنوان مکتبی جامع و همه جانبه نگر برای سلامتی روح و روان و سلامتی دینی انسان اهمیتی فوق العاده قابل است. از این رو، با ارائه برنامه و دستورات لازم، تمهیدات لازم را برای تحقق آن فراهم نموده است. یکی از رهنمودهای ارزشمند اسلام در این رابطه، توصیه به همفکری، تبادل نظر و مشورت در امور مختلف اجتماعی، و استفاده از تخصص هموعان در تامین سلامت روحی، جسمی و توصیه به رعایت موازین اخلاقی و دینی در مشاوره است. در این مقاله، ضمن تبیین مفهوم مشاوره از نگاه دینی و روان شناسی معاصر و توجه به نقاط اشتراک و اختلاف آنها، به اهمیت مشاوره و ویژگی های مشاور از منظر دینی پرداخته شده، و همچنین به آثار و پیامدهای مثبت وجود این ویژگی ها در مشاور اشاره گردیده است.

کلید واژه ها: مشاوره، روان شناسی، اسلام، سلامت روان، دین.

^۱ نویسنده ی مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی عمومی Fallah203@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری آکادمی علوم تاجیکستان

تاریخ دریافت: فروردین ۹۲ تاریخ پذیرش: اول تیر ۹۳

مقدمه

در شماره ۵ فصلنامه رویش روانشناسی، بخش اول مقاله مشاوره تطبیقی به چاپ رسید. در مقاله قبلی ابتدا به مفهوم مشاوره اشاره شده بود. مشاوره رابطه حرفه ای میان یک مشاور و مراجع گفته می شود. در ادامه انواع رابطه مشاور و مراجع بیان گردید. خلاصه ای از مباحث قبلی چنین است:

از دیدگاه اسلام مشاوره دارای فوایدی است. در آیات و روایات اسلامی مشاوره به دو معنا آمده است: یکی ارائه طریق یا نشان دادن راه و دیگری، اتصال به مطلوب، یعنی رسانیدن به مقصد. در قرآن کریم سوره ای جداگانه تحت عنوان شوری دیده می شود که دلیل محکمی بر اهمیت شور و مشورت در امور مختلف زندگی می باشد و هم از جانب معصومین (ع) بسیار مورد تاکید قرار گرفته است. قرآن کریم مردم را به راه حق و راهی راست هدایت می کند (احقاف، ۳۰). امیرالمومنین علی (ع) در مورد ضرورت راهنمایی و مشورت و شیوه آن می فرماید: مشورت کردن عین هدایت است و کسی که به رای و اندیشه خویش اکتفا کرد به مخاطره خواهد افتاد.

به دو هدف "آنی" و "نهایی" برای مشاوره در اسلام می توان تاکید نمود. در هدف آنی به فرد کمک می شود تا در ابتدا به شناخت تواناییها، علایق و محدودیتهای خویش نایل شده و در صورت بروز مشکلاتی در زمینه های تحصیلی، خانوادگی، احیانا شغلی و مالی به طور موفق عمل کند. و در هدف نهایی مشاوره و راهنمایی، "خود - رهبری" است که فرد را قادر می سازد تا با دانش و بینش لازم به حل مسائل خود پرداخته و در مواقع ضروری، تصمیم عاقلانه اتخاذ کند.

در بخش بعدی مقاله شماره یک، از غایت راهمایی و مشاوره در اسلام صحبت شده است. با توجه به مشخص شدن کمال نهایی انسان که همان « قرب الی الله » است، راهنمایی و مشاوره باید هدف غایی و نهایی در درمان مراجع را در قرب الی الله بداند و هدفهایی مانند حفظ سلامت، پیشرفت تحصیلی و حل مشکلات روانی، اجتماعی، شغلی و خانوادگی مراجع را بر محور این هدف قرار دهد، به طوری که هر کدام مقدمه ای لازم برای رشد و تکامل توانایی وجودی انسان را در مسیر کمال نهایی او فراهم آورد. این شرایط باید در هر مرحله از رشد و تکامل انسان، متناسب با استعدادها و توانایی های وجودی او بوده، ویژگی های وجودی او را در آن مرحله مورد نظر داشته باشد، رشد و تکامل آنها را در جهت کمال نهایی انسان فراهم آورند. و در این بحث شیوه هایی از پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام نقل شده است. در بخش های بعدی مقاله، مباحثی

چون : ضرورت و اهمیت اخلاق در مشاوره، نقش اصول اخلاقی به عنوان کاتالیزور برای بهبود بخشیدن به کاربست مشاوره ، ویژگی های مشاوران و ویژگی های راهنما و مشاور از دیدگاه اسلام، مطرح شده است. عناوین بدین شرح بودند:

ویژگی های راهنما و مشاور از دیدگاه اسلام

۱. عوامل حمایتی

- الف) توجه به روح انسان ها و رشد همه جنبه های وجودی افراد.
- ب) داشتن انگیزه خدمت نه کسب در آمد
- ج) خیر خواه مردم بودن و مسئولیت پذیری:
- د) همدلی
- ه) هم سازی: مشاور مطلوب، کسی است که در جریان روان درمانی، از هماهنگی درونی برخوردار باشد و بین آن چه هست و آن چه که می گوید اختلافی وجود نداشته باشد.

۲. عوامل شناختی

- الف) بیان استدلالی
 - ب) درک شرایط زمانی و مکانی
 - ج) عاقل و خردمند بودن
- #### ۳- عوامل رفتاری
- الف) ایمان به مبانی اعتقادی و ارزش های دینی
 - ب) ایمان به ارزش کار مشاوره ای
 - ج) بیان ویژگی های مثبت خود

ادامه مقاله در این شماره

در این بخش به ویژگیهای شخصیتی و تخصصی مشاور اشاره شده است و سپس به اهمیت ادغام مباحث مذهبی و مشاوره اشاره گردیده است .

د) توجه بدون شرط

در مناجات شیرین از امام سجاد (ع) می خوانیم: یا من هو علی مقبلین علیه مقبل و بالعطف علیهم عائد مفضل. ای کسی که نسبت به افرادی که به تو اقبال می کنند، تو هم به آنها اقبال می کنی و نسبت به آنها عاطفه نشان می دهی وبه آنها از آنچه بخواهند می دهی، و بالعافین عن ذکره رحیم، رثوف و بجذبهم الی بابه ودود عطوف...و نسبت به کسانی که از ذکر تو غافل هستند هم رثوف و مهربانی.

«خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ - عفو و میانه روی را پیشه کن عذر مردم را بپذیر و بر آنان آسان بگیر، و به کارهای عقل پسند و نیکو فرمان بده، و از جاهلان اعراض کن» (اعراف، ۱۹۹). با آنکه برای کلمه‌ی «عفو»، چند معنا بیان شده است: حدّ وسط و میانه، قبول عذر خطاکار و بخشودن او، آسان گرفتن کارها، ولی ظاهراً در این آیه، معنای اول مراد است. «خُذِ الْعَفْوَ»، به معنای عفو را تحت اختیار و کنترل خود داشتن و به جا استفاده نمودن است، این آیه با تمام سادگی و فشردگی، همه‌ی اصول اخلاقی را در بر دارد. هم اخلاق فردی «عفو»، هم اخلاق اجتماعی «وَأْمُر بِالْعُرْفِ»، هم با دوست «عفو»، هم با دشمن «أعرض»، هم زبانی «وَأْمُر»، هم عملی «أعرض»، هم مثبت «خُذْ»، هم منفی «أعرض»، هم برای رهبر، هم برای امت، هم برای آن زمان و هم برای این زمان. چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: در قرآن آیه‌ای جامع‌تر از این آیه در مکارم الاخلاق نیست. وقتی این آیه نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل توضیح و شیوه‌ی عمل به این آیه را درخواست کرد. جبرئیل پیام آورد که «تَعَفَّوْا عَمَّنْ ظَلَمَكُم، تُعْطَى مَن حَرَمَكُم، تُصِلْ مَن قَطَعَك - از کسی که به تو ظلم کرده در گذر، به کسی که تو را محروم کرده عطا کن و با کسی که با تو قطع رابطه کرده است، ارتباط برقرار کن»^۱.

«الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنَ اتَّقَى - کسانی که از گناهان بزرگ و زشتی‌های آشکار اجتناب می‌کنند جز گناهان ناخواسته، بی‌شک پروردگارت (نسبت به آنان) آمرزشش گسترده است. او به شما داناتر است آنگاه که شما را از زمین پدید آورد و آنگاه که شما در شکم مادرانتان جنین بودید، پس خود را بی‌عیب بشمارید او به تقوای پیشگان داناتر است» (النجم، ۳۲). طبق آیه فوق خداوند هم علم دارد و هم قدرت ولی در عین حال خطاپوش است. «واسع المغفرة هو اعلم بكم اذ انشأكم من الارض». مشاور و مربی باید خطاپوش باشد و از یک سری لغزش‌ها، گذشت کند. «إِلَّا اللَّمَمَ».

«وَايَا قَوْمٍ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَإِن أُجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ لَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ - نوح ادامه داد که ای قوم من! از شما در برابر این دعوت، اجرتی درخواست نمی‌کنم، پاداش من تنها بر خداست و من کسانی را که ایمان آورده‌اند به خاطر خواست نابجای شما طرد نمی‌کنم، چرا که آنان پروردگارشان

^۱ تفسیر مجمع‌البیان، بحار، ج ۷۵.

را ملاقات خواهند کرد و از من شکایت خواهند نمود، ولی من شما را قوم جاهلی می بینم» (هود، ۲۹). کسی که هدفش از تبلیغ، مشاوره و راهنمایی، مال و مقام نیست، فقیر و غنی در نزد او یکسان است. «ما انا بطارد الذین امنوا».

« وَ لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ - و کسانی را که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می خوانند، در حالی که رضای او را می طلبند، از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده ی تو نیست، و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمگران شوی» (انعام، ۵۲).

تجسس و عیبجویی از زندگی خصوصی افراد، ممنوع است. «وما علمی...». برای قضاوت درباره ی دیگران، ایمان صادقانه و عمل صالح امروز آنان را بنگرید و گذشته ی افراد را به رُخ آنان نکشید. «بما كانوا يعملون» سوابق بد، مانع تغییر و تحول و توبه ی مردم نیست. «كانوا يعملون» در آیه ی « قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - نوح گفت: من به عملکرد گذشته کسانی که شما اراذل می خوانید آگاهی ندارم. یا مرا با اعمال گذشته ی آنان کاری نیست» (شعراء، ۱۱۲).

یک نمونه بسیار زیبا از تفکیک میان رفتار و شخصیت افراد در تاریخ اسلام را زمانی می بینیم که پیامبر اکرم (ص) وقتی که در قضیه طائف مردم و کودکان شهر به حضرت سنگ پرتاب می کردند و بدن پیامبر خون آلود بود همچنان می فرمود: اللهم اهد قومی فانهم لا يعلمون.^۱

ه) ملایمت و نرمی در گفتار و کردار

ملایمت و نرمی در گفتار، کردار و اخلاق از ویژگی های مهم و لازم برای مشاوره است. اغلب انسان ها در مقابل رفتار تند و خشن واکنش نشان می دهند. یکی از خصلت ها و ویژگی های پیامبران در مقابل مخالفانشان بویژه هنگام بحث و مناظره نرمی و ملایمت در گفتار بوده است که قرآن به این امر اشاره دارد. خداوند خطاب به حضرت موسی و هارون می فرماید: حتی با فرعون که در اوج غرور و ستمگری بوده است با نرمی سخن گویند: «فقولا له قولاً لعلنا نلذه يتذكر او يخشى - صحبت کردن شما با فرعون باید از روی نرمی باشد، شاید متذکر شود و از خداوند بترسد» (طه، ۴۴).

^۱ مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲) بحار الانوار،

قرآن کریم در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: «فبما رحمته من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لا نفضوا من حولك - به رحمت الهی، در برابر مردم نرم و مهربان شدی، و اگر خشن و سنگدل بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می شدند» (آل عمران، ۱۵۹).

امام خمینی (ره) درباره تاثیر ملایمت و رحمت می فرمایند: در مسائل، ملایمت و جهت رحمت بیش تر از خشونت تاثیر می گذارد. من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در مدرسه فیضیه صحبت می کردم، آن گاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می کردم همه خشکشان می زد، ولی وقتی از رحمت خداوند حرف می زدم، می دیدم که دل ها نرم واشک ها سرازیر می شد و این تاثیر رحمت است. با ملایمت انسان بهتر می تواند مسائل را حل کند تا شدت^۱.

يَا صَاحِبِي السِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (يوسف، ۳۹). ای دو یارزندانی من! آیا خدایان متعدّد و گوناگون بهتر است یا خداوند یکتای مقتدر؟ مردم را با محبت و عاطفه، صدا بزیند. «یا صاحبی» همچنین می توان برای بیدار ساختن فطرت افراد، از چاشنی محبت و احسان استفاده کنید. «یا صاحبی...».

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَمْ فَلَا تَتَّقُونَ - و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس (به آنها) گفت: ای قوم من! خداوند(یکتا) را بپرستید. جز او هیچ خدایی برای شما نیست، آیا پروا نمی کنید؟» (مومنون، ۲۳). خداوند در این آیه سفارش می کند که نوح با گفتن یا قوم با محبت با آنها صحبت می کرده است و این نشان دهنده تاثیر محبت در پیشبرد کارها و هدایت و راهمایی مردم است. «یا قوم...».

« وَ لَأَ تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ - و نیکی با بدی یکسان نیست، بدی دیگران را با شیوهی بهتر که نیکی است دفع کن، که این هنگام آن کس که میان تو و او دشمنی است همچون دوست گرم می شود و عداوتش نسبت به تو تمام می شود» (فصلت، ۳۴).

کیمیای واقعی، آن نیست که مس را طلا کند، بلکه برخوردی است که دشمنی را به محبت تبدیل نماید. «ادفع بالتی هی احسن» روز فتح مکه شعار بعضی از مسلمانان «انتقام، انتقام» بود ولی پیامبر اکرم فرمود: امروز روز انتقام نیست بلکه روز رحمت و مرحمت است.

^۱ صحیفه ی نور، جلد ۱۸

(و) عامل بودن مشاور (تربیت در عمل)

مشاور باید گفتارش با عملش یکی باشد، یا به عبارتی به آنچه می گوید، عامل باشد. این مسئولیت عامل بودن در مشاور به خصوص مشاوره ی اسلامی سنگین تر است. در مباحث شیمی و فیزیک یا ریاضی افراد به دنبال آن نیستند که ببینند که گوینده آیا خود به چیزی که می گوید عمل می کند یا نه! اما در مباحث مشاوره اگر گوینده عامل به گفته های خود نباشد تاثیر کلام او از بین خواهد رفت و شخص مقابل در بی اعتمادی به سر خواهد برد. امیرالمومنین علی (ع) می فرمایند: ان سمت همتک لاصلاح الناس فايدا بنفسک فان تعاطیت صلاح غیرک وانت فاسد اکبر عیب. اگر خاستی دیگران را اصلاح کنی ابتدا خودت را اصلاح کن. این که بخواهی دیگران را اصلاح کنی و خودت فاسد باشی، بزرگترین عیب است. حضرت امیرالمومنین علی (ع) می فرمایند: وان العالم العامل بغیر علمه کالجاهل الحائر الذی لا یستفیک من جهله، بل الحجه علیه اعظم والحشره له و هو عندالله الوام. عالمی که به غیر علم خود عمل کند، چونان جاهل سرگردانی است که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت، بلکه حجت بر او قوی تر وحسرت واندوه براو ثابت ودر پیشگاه خدا بیش تر سزاوار سرزنش است.^۱

امام خمینی (ره) می فرمایند: به فکر باشید که همه چیزتان را اصلاح نمایید. اول خداتان را اصلاح کنید. ابتدا مذهب بشوید و تعلیمات اسلامی را که برای آدم سازی است، را عمل کنید و بعد هم افراد را که ما بعد از مدتی متحول بشویم به یک انسان هایی که اسلام می خواهد نه یک انسان هایی که استعمار می خواهد.^۲

خلاصه آنکه زبان عمل از زبان سخن گویاتر و نافذتر است چه خوب گفته است آن که: دو صد گفته چون نیم کردار نیست. چنان چه کسی خودش به آن چیزی که می گوید پای بند نباشد، در واقع با رفتارش به اعتبار خودش ضربه می زند. ارزش عمل را اندک جلوه می دهد و دیگران را دچار سردرگمی می کند. در هر حال از شرایط الگو بودن (عمل کردن است). این واقعه معروف را حتما شنیده اید: روزی فردی فرزند خود را نزد حضرت رسول اکرم (ص) آورد و به آن حضرت عرض کرد، به بچه ی من بفرمایید که در خوردن خرما زیاده روی نکند. حضرت فرمودند: برو فردا بیا. آن مرد فردا کودک را باز آورد و فکر کرد که حضرت طرح خاصی برای اصلاح فرزندش

^۱ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶) غررالحکم

^۲ خمینی (ره)، روح الله، صحیفه ی نور، جلد ۱۸

دارد. رسول خدا(ص) بچه را کنار خود نشانند و به او گفت: پسرم کمتر خرما بخور. پدر کودک گفت یا رسول الله...چرا این سخن را دیروز نفرمودید؟ حضرت فرمودند: دیروز خودم خرما خورده بودم، لذا کلامم اثر نداشت .

امام علی (ع) می فرمایند: «ایها الناس انی والله ما احتکم علی طاعه الا و اسبقکم الیهها و انها کم عن معصیه الا واتناهی قبلکم وانها- ای مردم به خدا سوگند شما را به هیچ طاعتی تشویق نمی کنم مگر قبلاخودم آنرا انجام می دهم. از هیچ کار خلافی باز نمی دارم مگر اینکه پیش از شما از آن دوری جسته ام»

امام صادق (ع) می فرمایند: کونوا دعاه الناس باعمالکم و لا تکونوا دعاه بالسننکم.. مردم را با عمل خود به نیکیها دعوت کنید نه با زبان خود^۱. تاثیر عمیق دعوت عملی از اینجا سرچشمه می گیرد که هرگاه شنونده بداند گوینده از دل سخن بگوید و به گفته خویش صد در صد ایمان دارد گوش جان خود را به روی سخنانش می گشاید و سخن که از دل خیزد بر دل می نشیند و در جان اثر می گذارد.

روشن است که هر کس دیگران را به نیکیها فرمان دهد و خود بدان ها عمل نکند، سزاوار سرزنش است. چه از عالمان باشد یا از غیر آنان. خداوند در آیه ۴۴ سوره بقره می فرماید که آیا مردم را به نیکو کاری فرمان میدهد و خود را فراموش می کنید. به عبارتی عالمان به کتابهای آسمانی و تلاوت کنندگان، دارای مسئولیت بیشتر در عمل کردن به کردارهای نیک اند. آمران به معروف و مبلغان دینی و مشاوران، باید خود به محتوای دعوتشان عمل کنند.

ز) بیان روان

ساده گویی و بیان روان از نظر خداوند کمال است «واحلل عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي». آنجا که حضرت موسی (ص) از خداوند برای هدایت و راهنمایی امتش درخواست می کند که گره از زبانش بگشاید و کلام و بیان او را روان گرداند تا مردم بهتر سخنان او را درک نمایند. یَفْقَهُوا قَوْلِي - تا سخنم را خوب بفهمند (طه، ۲۸).

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ - و بگو: به یقین من خودم اخطار کننده آشکارم (الحجر، ۸۹). اصل، فهمیدن مردم است، نه اصطلاحات زیبا. «یَفْقَهُوا قَوْلِي» شرط موفقیت در راهنمایی آن است که مردم حرف ارشاد کننده را خوب بفهمند.

^۱ مکارم شیرازی، ناصر و دیگران(۱۳۸۱)، تفسیر نمونه، ج ۱۷

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش، تا بتواند پیام خدا را برای مردم بیان کند، پس خداوند هر که را بخواهد و مستحق بداند گمراه می‌کند و هر که را بخواهد و شایسته بداند هدایت می‌نماید، و اوست عزیز و حکیم (ابراهیم، ۴).

خداوند همه پیامبران را، بدون استثنا، به زبان مردم منطقه رسالتشان مبعوث کرده است. فلسفه ارسال انبیا به زبان مردم، تبیین دقیق معارف الهی و تفهیم آن برای مردم است. همچنین همه انبیا وظیفه داشتند که معارف الهی را در سطح فرهنگ مردم خویش، تبیین کنند. «و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه ليبيّن لهم». مراد از «لسان قوم» در این آیه، تنها لغت و زبان مردم نیست، زیرا گاهی ممکن است گوینده‌ای با زبان مردم سخن بگوید ولی مردم حرف او را درست نفهمند، بلکه مراد آسان و قابل فهم گفتن است، به گونه‌ای که مردم پیام الهی را بفهمند، چنانکه در آیات دیگر می‌فرماید: «یسرناه بلسانک» ما قرآن را به زبان تو آسان کردیم. حضرت موسی نیز از خداوند می‌خواهد که گره از زبانش گشوده شود تا مردم کلامش را بفهمند. «واحلل عقده من لسانی یفقهوا قولی» (مریم، ۹۷ و طه، ۲۷ - ۲۸).

۴- عوامل علمی و تخصصی

تسلط بر مباحث و داشتن تخصص : مشاور و هدایت کننده باید بر موضوعات قابل طرح کاملا تسلط علمی داشته باشد. ولا تقف ما لیس لك به علم ان السمع والبصر والنفوس کل اولئک کان عنه مسؤولا - از آن چه به آن آگاهی نداری پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسول اند (اسراء، ۳۶).

« ابلاغکم رسلت ربی وانصح لکم واعلم من الله مالا تعلمون - رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیر خواه شما هستم و از خداوند چیز هایی میدانم که شما نمی‌دانید. کسی که راهنمایی می‌کند هم باید خیر خواه باشد و هم برخوردار از علم و آگاهی کافی و این دلسوزی باید در جهت منافع مردم باشد «انصح، اعلم» (اعراف، ۶۲)

۵- عوامل شخصیتی :

الف) خود سازی: هدایت و راهنمایی انسانها وظیفه ای خطیر و حساس می باشد و کسی که در این مسیر قدم بر می‌دارد اگر خود انسان خود ساخته و مهربانی نباشد

نمی تواند دیگران را راهنمایی نماید. خداوند در آیه های گوناگون به پیامبران و کسانی که در امر راهنمایی مردم هستند توصیه می نماید که ابتدا به خودسازی خویشتن پرداخته و سپس به ساختن دیگران و جامعه بپردازند. به عبارتی خودسازی مقدم بر جامعه سازی است.

إذ جاء ربه بقلب سليم - حضرت ابراهیم(ع)، برخوردار از قلبی سالم و پاک از آفت ها و امراض روحی، اخلاقی و شخصیتی. «سليم» صفت مشببه و مشتق از «سلامت» پاکی از امراض دردها و آفت ها است. توصیف قلب به «سليم» بودن، اشاره به انواع امراض و آفت های روحی، اخلاقی و شخصیتی دارد.

قم فانذر (مدثر ۲) (ولربك فاصبر) مدثر ۷ در قرآن، دو مرتبه کلمه «قم» آمده که هر دو خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است، یکی برای نماز شب و خودسازی «قم اللیل» و دیگری برای ارشاد و جامعه سازی. «قم فانذر» خودسازی مقدم بر جامعه سازی است. کسی که می خواهد جامعه را از آلودگی پاک کند، باید خودش از هر آلودگی پاک باشد. «والرَّجَزُ فَاهْجُرْ». «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» - و خانوادهات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی خواهیم، بلکه ما تو را روزی می دهیم، و سرانجام نیکو برای اهل تقوا است. در روایات متعددی آمده است که پس از نزول این آیه، پیامبر صلی الله علیه وآله تا چندین ماه در خانه حضرت علی و فاطمه علیهما السلام را می زدند و در آستانه در می فرمودند: « الصلوة » آنگاه به قرائت آیه تطهیر می پرداختند. هرگاه وضع زندگی رسول خدا صلی الله علیه وآله تنگ می شد، این آیه را تلاوت می فرمود، آنگاه به افراد خانه دستور می دادند تا نماز بخوانند. رهبر جامعه ای اسلامی نباید از خانواده خود غافل باشد. « وامر اهلك بالصلوة ». لزوم پایداری و تلاش روز افزون تر هدایت کنندگان مردم در عمل به توصیه های خود. خداوند در این آیه تاکید می کند که کسی که می خواهد دیگران را راهنمایی نماید در مرحله اول باید به خود سازی و خانواده و نزدیکان خود توجه نماید.

ب) صداقت و صمیمیت: یکی از صفات اصلی مشاور خوب آن است که «صادق» باشد. صداقت یعنی این که اگر نگاه می کند، دلش هم نگاه کردن را بخواهد، اگر حرف می زند، دلش هم حرف زدن را بخواهد، اگر کاری می کند دل او آن کار کردن را بخواهد و در واقع بین عمل او و دلش دوگانگی نباشد. البته این بدان معنا نیست که

هر چه در دلش می گذرد را به مراجع بگوید بلکه این است که تصنعی نباشد. رعایت صداقت در تمامی مراحل مشاوره از سوی طرفین (مشاور، مراجع) در روایات آمده است «النجاه فی الصدق - نجات و رستگاری با راستگویی است^۱. داشتن صداقت به اندازه ای در اسلام و روابط بین فردی اهمیت دارد که خداوند بلند مرتبه می فرماید: بزرگترین چیز راستی است «اصل شیء الصدق»^۲.

همچنین حضرت علی (ع) می فرماید: من غش مستشیره سلب تدبیره - کسی که با مشورت کننده اش خالص نباشد تدبیرش ربوده خواهد شد (همان منبع).

ج) دارا بودن صبر وتحمل و سعه صدر: قرآن مجید در آیات زیادی به پیامبران توصیه و تاکید می کند که صبر و استقامت داشته باشید در امر هدایت پیامبران بنا بر خصلت انسانی خود و علاقه و ایمانی که به موضوع تبلیغ خویش داشتند، علاقه مند بودند که مردم هر چه زودتر و سریع دعوتشان را بپذیرند. ولی خداوند پیوسته به آنها می فرمود: باید صبر و استقامت پیشه کنند، هر چند که هدایت مردم تنها در دست خداست. همچنین قرآن کریم اولین شرط موفقیت در هر کاری را داشتن صعه صدر می داند «ربّ اشرح لی صدری» با سعهی صدر کارها آسان می شود. «ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری». قَالَ رَبِّ اَسْرَحْ لِي صَدْرِي - موسی گفت: پروردگارا! اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرمودی سینه ام را برایم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله ام بیفز) (طه، ۲۵).

طبق این آیه می توان نتیجه گرفت که ۱- فراخی سینه، کنایه از خویشتن داری و کنترل خود و اختیار از کف ندادن است. ۲- شرح صدر از مهم ترین ویژگی های لازم برای رسولان الهی و رهبران و مبلغان دین و هدایت کنندگان است. ۳- راهنمایی و ارشاد افراد، طغیان گران و تبلیغ پیام الهی، نیازمند شرح صدر وتحمل فراوان است. ۴- با سعهی صدر کارها آسان می شود. «ربّ اشرح لی صدری و یسر لی امری».

« فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ - پس صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده های خداوند حق است و برای گناهت استغفار کن و شامگاهان و بامدادان، سپاسگزارانه پروردگارت را تسبیح کن. خدانمند در این آیه

^۱ مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۱)، تفسیر نمونه، ج ۱۷

^۲ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶) غررالحکم،

به پیامبر سفارش می کند که همانند پیشینیان صبر پیشه نماید. طبق این آیه انگیزه صبر، رسیدن به وعده های الهی بیان شده است و هرکس با اختیار کردن صبر در زندگی خویش به آن وعده های خداوند نایل خواهد آمد» (غافر، ۵۵).

د) اصالت داشتن مشاور: مشاور اصیل کسی است که در کودکی مورد تحقیر قرار نگرفته و در این دوران حساس رها و بی سرپرست نبوده است. همچنین در میان انسان های بی دین، پرنفاق، ریا کار (منظور تاثیر نکرften از آنهاست) زندگی نکرده باشد. ریشه های فطری پاک در وجودش همچنان باقی مانده باشد و خوب پرورش یافته باشد.

ویژگی هایی که در مشاور نباید باشد:

- ۱- بخیل ۲- ترسو ۳- حریص ۴- خائن ۵- احمق ۶- جاهل ۷- فرومایه ۸- کذاب ۹- متلون

ادغام مسائل معنوی / مذهبی در مشاوره

حوزه مشاوره و روان درمانی، نیاز به بررسی کردن مسائل معنوی / مذهبی را به کندی تشخیص داده است. در خلال ده سال گذشته به این مبحث توجه بیشتر شده و درباره نقشی که مسائل معنوی و مذهبی باید در روان درمانی ایفا کنند جر و بحث زیادی وجود دارد. اکنون علاقه گسترده ای به مبحث عقاید معنوی و مذهبی مشاور و درمانجو و نحوه ای که این گونه عقاید می توانند وارد روابط درمانی شوند وجود دارد^۱. شواهد تجربی فراوانی وجود دارد که ارزشها و رفتارهای معنوی ما می توانند به سلامت جسمانی و روانی ما کمک کنند.^۲ بدیهی است که معنویت عنصر مهمی برای سلامت روانی است و منظور کردن آن در کاربست مشاوره می تواند فرایند درمان را تقویت کند.

معنویت به این صورت تعریف شده است: چیزی که ما را به دیگران، طبیعت و منبع زندگی متصل می کند. تجربه معنویت از خودمان مهمتر است و به ما کمک می کند شرایط زندگی را متعالی سازیم. برداشت خاص فرد از معنویت هر چه که باشد، این نیرویی است که می تواند به فرد کمک کند تا به دنیا معنی دهد و برای زندگی خود

¹ Frame, M. W. (2003).

² Benson, H., & Stark, M. (1996).

مقصود پیدا کند. معنویت و مذهب منابع توانمندی برای خیلی از درمانجویان هستند- شالوده یافتن معنی زندگی - و می توانند عامل مهمی در تقویت کردن سلامتی و شفا بخشیدن باشند. برخی از درمانجویان را نمی توان بدون درک کردن نقش اساسی اعتقادات و مناسک مذهبی یا معنوی شناخت. اگر معنویت مسئله مهمی برای درمانجوست، باید به آن پرداخته شود. برای برخی درمانجویان، معنویت مستلزم ایمان داشتن به مذهب است که می تواند معانی متفاوتی داشته باشد و برخی دیگر از درمانجویان برای معنویت ارزش قائل هستند ولی هیچ گونه پیوندی با مذهب رسمی ندارند. راههای متعددی به سمت ارضا کردن نیازهای معنوی وجود دارد، و این وظیفه شما در مقام مشاور نیست که راه خاصی را تجویز کنید. اگر درمانجویان نشان دهند که برای عقاید یا منسک خود اهمیت قایل هستند، این می تواند موضوع مفیدی برای بررسی باشد.

هدفهای مشترک

دیدگاه معنوی / مذهبی و دیدگاه مشاور از چند جهت هدفهای مشابهی دارند. هر دو بر یادگیری پذیرفتن خویشتن، پذیرفتن نقطه ضعف های خود، بر عهده گرفتن مسئولیت شخصی، فراموش کردن رنجش ها، پرداختن به احساس گناه و کنار گذاشتن الگوهای تفکر، احساس کردن و عمل کردن خود ویرانگر تاکید دارند. ارزشهای معنوی / مذهبی نقش مهمی در زندگی و کشمکش های انسان ایفا می کنند، بدان معنا که بررسی کردن این ارزشها با پیدا کردن راه حلها برای کشمکش های درمانجویان ارتباط زیادی دارد. چون مسیرهای معنوی و درمانی از چند از چند نظر همگرا هستند، امکان ادغام وجود دارد و پرداختن به معنویت درمانجو اغلب به فرایند درمان کمک می کند. موضوعاتی که ارزشهای شفا بخشی دارند عبارتند از: دوست داشتن، اهمیت دادن، یادگیری گوش دادن همراه باحالت غمخواری، به چالش طلبیدن فرضهای زندگی اساسی درمانجویان، پذیرفتن نقص انسان و فراتر رفتن از تمایلات شخصی(علاقه اجتماعی). مذهب و مشاوره هر دو به افراد کمک می کنند تا به سوالهایی از قبیل من کیستم؟ و زندگی من چه معمایی دارد؟ فکر کنند. مشاوره و مذهب در بهترین حالت، می توانند از طریق بررسی نقش احساس شرم و گناه در رفتار انسان، درک کردن تفاوت بین سرزنش و مسئولیت، احساس کناه سالم و ناسالم، نیروی در میان گذاشتن عمیق مسایل انسان، به مداوا شدن کمک کنند. معمولاً وقتی درمانجویان به خاطر

مشکل خاصی به درمانگر مراجعه می کنند، درمانگر تمام عواملی را که در شکل گیری این مشکل دخالت دارند بررسی می کند. با وجود آنکه ممکن است درمانجویان خود را مذهبی یا معنوی ندانند، زمینه درگیر بودن با مذهب باید به عنوان بخشی از تاریخچه درمانجویان بررسی شود. امکان دارد که این عقاید عواملی در شک گیری مشکل بوده و بنابراین می توانند بخشی از آن باشند. برخی از درمانگران معتقدند که آگاهی یافتن از عقاید مذهبی درمانجویان و احترام گذاشتن به آنها به علاوه منظور کردن این عقاید در ارزیابی و کاربست درمان آنها ضرورت دارد.^۱

فریم (۲۰۰۳) برای منظور کردن معنویت در ارزیابیها، دلایل چندی را ارائه می دهد: شناختن نقطه نظرها و موقعیتهایی که درمانجویان در آن زندگی می کنند، کمک کردن به درمانجویان در دست و پنجه نرم کردن با سوال های مربوط به هدف از زندگی آنها و اینکه برای چه چیزی خیلی ارزش قائل هستند، بررسی کردن مذهب و معنویت به عنوان امکانات درمانجو، و آشکار کردن مسائل معنوی و مذهبی. این اطلاعات به درمانگر کمک می کنند مداخله های مناسب را انتخاب کند.

فیور و اوبرین (۱۹۹۳) معتقدند که فرایند ارزیابی باید این سوالها را در بر داشته باشند، سوالهایی درباره نقشی که مذهب و معنویت در زندگی درمانجو داشته یا در حال حاضر دارند، و سوالهایی درباره ی اینکه چگونه عقاید مذهبی و معنوی ممکن است با فرایند های شناختی، عاطفی، رفتاری درمانجویان ارتباط داشته باشند. برای مثال، آیا احساس گناه یک مسئله است؟ علت این احساس گناه چیست و آیا به هدفی خدمت می کند؟ مشاوران باید برای بررسی مسایل معنوی که در جوهر هستی درمانجویان قرار دارند آمادگی داشته باشند.^۲

اگر مشاوران بخواهند به نحو ثمر بخشی به درمانجویان گوناگون خدمت کنند، ضرورت دارد که به آموزش و ساینستگی خود در پرداختن به مسایل معنوی و مذهبی که درمانجویان آنها به جلسه درمان انتقال می دهند توجه داشته باشند. اگر مشاوران بخواهند عقاید درمانجویان خود را درک کنند و محترم بشمارند باید از عقاید معنوی / مذهبی خود آگاه باشند. برای خیلی از درمانجویانی که در حالت بحران قرار دارند، مسایل معنوی به آنها کمک می کند تا تسلی یابند و آرامش کسب کنند. احساس گناه، خشم، و غمی که درمانجویان تجربه می کنند اغلب از سوء تعبیر مسایل معنوی و

^۱-Faiver, C. M., & O'Brien, E. M. (1993).

^۲ Miranti, J., & Burke, M. T. (1995)

مذهبی ناشی می شوند که می تواند به افسردگی و احساس بی ارزشی بیانجامد. اگر درمانگر برای بررسی کردن این مسایل آمادگی کافی داشته باشند، می توانند به درمانجویان کمک کنند سوء تعبیرهای خود را اصلاح کنند.

معلوم شده که عقاید شخصی به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر روند درمان تاثیر می گذارند^۱. درمانگران باید مراقب باشند برای درمانجویان تصمیم گیری نکنند بلکه به آنها اجازه دهند تا خودشان تعیین کنند که چگونه ارزشهای آنها رفتارشان را هدایت می کنند. تاکید بر معنویت در کاربست مشاوره اهمیت دارد. منابع زیر برای افرادی که علاقه من به ادغام گرایش معنوی در سبک مشاوره خود هستند توصیه می گردد.^۲

نتیجه گیری

هر انسان بالغ و خردمندی به طور طبیعی در پی کمال و موفقیت و بالندگی بیشتر در زندگی بوده، همواره در تلاش است تا به هدف و آرزویی که در حیات دارد نایل آید. از این رو برای رسیدن به هدف آرمانی خود از هیچ کوششی فروگذار نکرده، سعی می کند از تمام استعدادها و توانمندی های خود بهره گرفته تا به سر منزل مقصود برسد. اما بسیار اتفاق افتاده که به هدف خود نرسیده و از طی کردن مراتب کمال و پیشرفت باز می ماند. شاید بتوان علل و منشأ این ناکامی ها و شکست ها را در چند عامل خلاصه نمود: الف) نگاه ناقص و اشتباه به ماهیت انسانی ب) خطا و اشتباه بودن مسیری که پیموده اند ج) روشن نبودن هدف و مقصود و کمال د) عدم توجه به توانمندی ها ه) انتخاب و گزینش معیارهای نادرست و) نبود یک راهنما و مشاور و هدایت کننده توانا. اسلام به عنوان مکتبی جامع و همه جانبه نگر برای سلامتی روح و روان و سلامتی دینی انسان اهمیتی فوق العاده قایل است. نگاه والا به ماهیت و وجود انسان و همچنین هدف غایی که برای او در نظر گرفته شده است، با ارائه برنامه و دستورات لازم، تمهیدات لازم را برای تحقق آن فراهم نموده است. یکی از رهنمودهای ارزشمند اسلام در این رابطه، توصیه به همفکری، تبادل نظر و مشورت در امور مختلف اجتماعی، و استفاده از تخصص هموعان در تامین سلامت روحی، جسمی و توصیه به رعایت موازین اخلاقی و دینی در مشاوره است. مشاورانی که دارای ویژگی هایی از قبیل

¹ Younggren, J. N. (1993).

² -Hinterkopf, E. (1998).

محبت، صعه صدر، اصالت داشتن، عامل بودن، متخصص بودن، صداقت، صمیمیت وهستند.

منابع

- فضل بن حسن طبرسی، علی، تفسیر مجمع البیان، بحار، ج ۷۵.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲) بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه .
خمینی (ره)، روح الله، صحیفه ی نور، جلد ۱۸.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶) غررالحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی .
مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۱)، تفسیر نمونه، ج ۱۷.
Frame, M. W.(2003).Intergrating religion and spirituality into counseling : A comprehensive approach . Pacific Grove, CA: Brooks/Cole.
Miller, W. R.(ED).(19999).Intergrating spirituality inti treatment : Resources for practitioners.Washington, DC:American Psychological Association.
Benson, H., & Stark, M.(1996).Tmeless healing: The power and biology of belif New York: scribner.
Richards, P. S., & Bergin,A.E.(1997).A spiritual strategy for counseling and psychotherapy.Washington ,DC : American Psychological Association.
Richards,P.S.,Rector,J.M., & Tjeltveit,A.C.(1999).Value, spirituality, and psychotherapy .In W.R.Miller(Ed.) , Integrating spirituality into treatment: Resources for practitioners(pp.133-160).Washington,DS:American Psychological Association.
Faiver,C. M.,& O'brien , E.M.(1993).Assessment of religious beliefs form . counseling and values, 37(3), 176-178.
Kelly, E. W.(1995).Spirituality and religion in counseling and psychotherapy.Alexandria,VA:American Counseling Association.
Miranti, J., & Burke,M.T.(1995).Spirituality:An integrated component of the counseling process.In M.T.Burke & J.G.Miranti(Eds.),Counseling : The spiritual dimension(pp.1-3).American Counseling Association.
Younggren,J. N.(1993).Ethical issues in religious psychotherapy . Register Report.19(4),1-8.
Grimm,D.W.(1994).Therapist spiritual and religious values in psychotherapy.Counseling and Values.38(3).154-164.
Hinterkopf, E.(1998).Integrating spirituality in counseling:A manual for using the experiential focusing method.Alexandria,VA:American Counseling Association.